



### قرآن؛ کلام خداوند

حسن یوسفی اشکوری

آیین، ش ۱۲ و ۱۱، اسفند ۸۶

آقای اشکوری در این مقاله به بیان نقد و دیدگاه‌های آقای شبستری در مورد وحی و قرآن اشاره دارد که برای روشن شدن مطلب، هر دو مورد یعنی بیان آقای شبستری و نقد اشکوری را بیان می‌کنیم.

مدعیات شبستری حول محور وحی و قرآن را می‌توان در دو اصل بنیادین خلاصه کرد:  
۱. قرآن لفظ و معنای کلام نبی است؛ ۲. این کلام نبوی کاملاً تفسیری است و صرفاً حاوی نگاه و بینش پیامبر از جهان و برخی پدیده‌هاست.  
بخش اول: قرآن کلام نبی است؛

الف) طرح و سابقه مسأله؛ از قرون میانه اسلامی، نظریه شاذی وجود داشته که براساس آن لفظ قرآن وحی نیست. در این تلقی از وحیانی بودن قرآن، می‌توان قائل شد که خداوند مفاهیم را املا کرده و محمد ﷺ با انشای خود آنها را در قالب زبان و بیان ویژه به مخاطبانش ابلاغ کرده است. در مقابل، نظریه مشهور می‌گوید که هم لفظ و هم معنای قرآن از سوی خداوند بر قلب پیامبر نازل شده و او بی‌کم و کاست آن را به مردمان ابلاغ کرده است که به صورت وحی مکتوب درآمده و برای همیشه مرجع ایمان و عقاید دینی در منازعات فکری و تفسیر مسلمانان خواهد بود. آنچه در نظریه شبستری مورد توجه است، تجربه گرای تمام عیار در فهم قرآن و در نهایت دوری بیشتر کتاب مقدس مسلمانان که آن را کلام الهی می‌دانند از منشأ ماورایی و مبدأ قدسی آن است.

ب) تحلیل شبستری از پدیده وحی: از نظر قرآن، تکلم خدا با نبی اسلام است که سبب بعثت پیامبر و تکلم او یعنی خواندن آیات قرآن می‌شود. و او را از طریق وحی، به گفتن این

سخنان قرآن توانا ساخته است که به این تواناسازی به سخن گفتن در قرآن، وحی گفته می‌شود. با توجه به چنین تحلیلی از پدیده وحی، جناب شبستری به این اصل بنیادین می‌رسد که قرآن کلام نبی است، نه خداوند.

ج) دلایل شبستری برای اثبات مدعا: شبستری برای اثبات مدعا در دو بخش (۱) زبان‌شناسی و (۲) شواهد تاریخی - قرآنی سخن می‌گوید.

۱) زبان با پنج محور گوینده و شتونده و محور زمینه متن یا متن (متن که جایگاه زبان است) و محور جماعت و اهل زبان قوام پیدا می‌کند.

۲) در مورد شواهد تاریخی - قرآنی به تفصیل توضیح می‌دهد چگونه به استناد خود قرآن باید عقیده داشت، قرآن کلام نبی است و این متن هرگز نمی‌تواند به عنوان یک متن قابل فهم، سخن گوینده‌ای به نام خدا باشد که هیچ کس از آن اطلاعی ندارد.

د) نقد و بررسی این نظریه: گوینده خداوند است که پیام خود را در «زمینه» فرهنگ و تاریخ قوم عرب در قالب کلمات معین و زبان عربی قابل فهم از طریق یک انسان به عموم آدمیان انتقال داده است شنونده، اعراب و در مرحله بعد تمام آدمیان هستند. تفاوتی که وحی ملفوظ با کلمات بشری دارد، آن است که در کلام بشری گوینده دیده می‌شود. اما در کلام خداوند، گوینده مشاهده نمی‌شود منتهی سخن او از طریق یک انسان معتمد که برای ما قابل درک است شنیده می‌شود. و اما در مورد شواهد تاریخی - قرآنی، هیچ یک از این شواهد، دلیلی بر اثبات مدعای کلام نبی بودن قرآن نیست که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

قسمت اول: بررسی شواهد تاریخی - قرآنی:

۱) ارتباط قابل فهم بودن قرآن و تحولات پدید آمده در صدر اسلام و ظهور تمدن اسلامی: روشن ترین دلیل نفی ادعای جناب شبستری آن است که مسلمانان عملاً و با توجه به تاریخ با الهی دانستن الفاظ قرآن آن را فهم کردند و به آن تحولات دست یافتند.

۲) ارتباط میان باور به کلام الهی قرآن و تعبد در برابر آن: پس از ایمان به خداوند یکتا و یقین به علم و حکمت او و اثبات و احراز صدق نبی در نبوتش، مومنان دعوی پیامبر را می‌پذیرند، هر چند خود شخصاً به فلسفه تمام آموزه‌ها و علل شرایع پی نبرده باشند. اما در این مورد دو نکته قابل تأمل است: اولاً این نوع تعبد بر بنیاد نوعی تعقل استوار است و ثانیاً این تعبد آشکارا ارتباطی با مسأله زبان و زبان‌شناسی قرآن ندارد. مسلمانان براساس (لا اکره فی الدین) با ایمان و اختیار کامل، کلام قرآن را می‌شنیدند و تلاش می‌کردند آن را بفهمند و به آن عمل کنند تا به فلاح برسند. در این مقام مسأله تعبد جایگاه و مقامی قابل طرح ندارد.

۳) ارتباط بین برخی از اوصاف نبوی با نقش سرنوشت‌ساز و تحول‌آفرین وی: پیامبر اسلام به عنوان یک انسان متعالی و برکشیده شده، هم با تکیه بر کلام الهی در بعد دعوت دینی کامیاب بوده و هم با تکیه بر اوصاف انسانی و رهبری‌اش در بعد اجتماعی و اخلاقی و تربیتی سرنوشت‌ساز شده است و هیچ تعارضی بین این دو وجود ندارد.

۴) ارتباط بین بعثت و انتقال اصوات: جناب شبستری میان بعثت نبی و واسطه انتقال اصوات بودن او نسبت تباین قائل شده است. پیامبر، پیام و کلام القا شده‌ی الهی را بی‌کم و کاست ابلاغ کرده است. اگر اعتقاد به کلام الهی بودن قرآن نفی شود و آن به نبی نسبت داده شود، دیگر بعثت و برانگیختگی پیامبر برای ما مسلمانان پس از رحلت وی چندان معنایی نخواهد داشت.

۵) ارتباط میان اتهام ساحری و شاعری پیامبر با ادعای کلام نبی بودن قرآن: اتهام ساحری و کاهنی و شاعری به پیامبر از سوی منکران به معنای مثبت مدعای کلام الهی بودن این کتاب است و می‌توان گفت که از چنین اتهاماتی نمی‌توان نتیجه گرفت کلام قرآن از خود او بوده است، زیرا چنین ملازمه‌های اساساً وجود ندارد.

قسمت دوم: بررسی مدعا در قرآن: نه تنها از مجموعه آیات، نظریه مختار آقای شبستری استنباط نمی‌شود، بلکه محصول آیات، همان نظریه رایج و کهن اسلامی است. در قرآن، آیات متعددی درباره‌ی وحی وجود دارد که فهم و تفسیر آنها در یک مجموعه و در یک نظام تحلیلی عام، به ما می‌آموزد که هم لفظ و هم معنای کلمات و آیات از خداوند بوده و پیامبر نیز جز این نگفته و مسلمانان نیز از همان زمان تا حال چنین عقیده‌ای داشته و دارند.

بخش دوم: قرآن دیدگاه تفسیری نبی؟ گزاره دوم و بنیادین جناب شبستری آن است که قرآن، دیدگاه تفسیری نبی است. در دیدگاه سنتی عقیده بر آن است که این تفسیرها از آن خداوند است که از طریق نزول و وحی به آدمیان ابلاغ شده اما در دیدگاه شبستری، این پیامبر است که به عنوان یک انسان البته موید به امداد غیبی، این تفسیرها را در مورد پاره‌ای از امور عالم و آدم ارائه داده است.

۱. محتوای تفسیری قرآن: در واقع از نظر شبستری تمام موضوعات قرآن جملگی ماهیت تفسیری دارند و هیچ گزاره‌ای از امر واقع خارجی خبر نمی‌دهد و معرفت‌بخش نیست و با این مقدمات وارد متن قرآن می‌شود و با استناد به آیات می‌کوشد نگاه تفسیری نبی اسلام را نسبت به موضوعات مختلف بیان کند.

۲. نقد و بررسی: الف) عدم استدلال کافی برای اثبات مدعا: آنچه توسط شبستری در مقام استدلال ارائه شده، گزاره‌هایی استحسانی و ذوقی‌اند و از منظر برون دینی و درون دینی مؤیداتی ندارند.

ب) تفاوت تفسیر پیامبر و دیگران: به استناد گفته‌ی شبستری تفسیر نبوی سه تفاوت با دیگران دارد. ۱. تفسیر نبی از سوی خداوند به او داده شده است. ۲. محور و رسالت نگاه تفسیری نبی، ارجاع همه چیز به خداوند و افعال او بود و ۳. این رویکرد تفسیری ویژه از جنس نگاه و بینش است، ولی این تفاوت‌ها چندان تعیین‌کننده نیست؛ زیرا اولاً هیچ استدلالی برای اصل امداد غیبی یا اعطای نگاه خدایی ویژه به حضرت محمد ﷺ و تکوین و تدوین قرآن مبتنی بر آن نگاه ارائه نشده است، ثانیاً عارفان و اهل تجارب باطنی و شهودی نیز

مدعی برخورداری از چنین نگاهی هستند و ثالثاً اگر پیامبر در نگاه تفسیری‌اش همه چیز را به خدا ارجاع می‌دهد، بسیاری از عارفان نیز مردمان را به خدا ارجاع می‌دهند در این حال تفاوت پیامبر موحد و مفسر با دیگران چیست؟

ج) گزاره‌های اخباری قرآن: تفسیری بودن کلام نبی به این حکم می‌انجامد که قرآن نمی‌تواند از امر واقع بماهو واقع خبر دهد. در این مورد چند نکته قابل توجه است: اولاً شبستری می‌پذیرد که در قرآن خبرهایی به وسیله پیامبر اعلام می‌شود که خبر از ناحیه هر کسی باشد، منطقاً محتمل الصدق و الکذب است. در ثانی واقعاً در قرآن گزاره «خدا وجود دارد» پیدا نمی‌شود. ثالثاً بعضی از اصول مسلم دینی را نمی‌توان تفسیری محض دانست و صدق و کذب و واقع‌نمایی را در آن‌ها منتفی شمرد یا بی‌اهمیت تلقی کرد.

د) معرفت‌بخشی وحی: آقای شبستری در دیدگاه ویژه خود برای قرآن و وحی خصلت معرفت‌بخشی نیز قائل نیست. و قرآن نیز به تمامی، دیدگاه تفسیری نبی است. در این صورت نه معرفت‌بردار است و نه در حوزه عقل و استدلال جای می‌گیرد. قرآن (وحی ملفوظ) عین معرفت یا محصول شکلی متعالی از معرفت است. حتی طبق نظریه شبستری، آیات و گزاره‌های قرآن در بر دارنده معرفتند. اگر ارزش معرفتی قرآن را نفی کنیم و صدق و کذب را در گزاره‌های وحیانی لحاظ نکنیم ایمان چه معنا و مفهومی پیدا می‌کند.

ه) وثاقت تاریخی قرآن: بدیهی است که ایمان و باور به وثاقت تاریخی متن مقدس مسلمانان، مقدم بر پذیرش و استناد و اعتقاد مرجعیت آن است.

ی) نسبت مسلمانان با متن تفسیری حضرت محمد ﷺ: در طرح سنتی، قرآن کلام خداوند است و مسلمانان به گفته‌های پیامبر ایمان آورده و صادقانه به آن عمل می‌کردند تا رستگار شوند. اما در اندیشه قرآن‌شناسی شبستری موضوع مبهم است. و همچنین تکلیف احکام و عبادیات و اجتماعیات هم روشن است و هیچ‌گونه الزامی به انجام اوامر و نواهی وجود ندارد. پس مجموعه دین اسلام به چه کار مسلمانان این زمان می‌آید و چه نیازی به وحی و قرآن و دین شخصی حضرت محمد ﷺ در چهارده قرن قبل وجود دارد. استنباط اشکوری از مجموعه آرا و افکار شبستری آن است که طرح ایشان در مورد وحی و قرآن از نظر استدلالی و برهانی از قوت و سازگاری لازم برخوردار نیست و از نظر دینی نیز با پرسش‌ها و چالش‌های جدی مواجه است.

گزارش قر: محمدباقر محمدی‌منور

بازتاب اندیشه ۹۷

گزارش‌ها

## موانع تولید علم در ایران

گفت‌وگو با: یحیی یثربی

همشهری، ش ۴۵۲۹، ۸۷/۱/۲۸



آقای یثربی در این مقاله به بررسی موانع تولید علم در ایران اشاره داشته و معتقدند که آرزوی